

شیرین انتقاد



نسبت به شخصیتی که دارد آن را زندگی می‌کند فالش نباشد. من این مسئله را مدیون مطالعات روانشناسی یا علم یونگ هستم و از این طریق با آرکتایپ‌ها آشنا هستم که خیلی به من کمک کرد. مثلاً برای شخصیت غزاله من آرکتایپ پرسفون را انتخاب کردم در حالیکه آرکتایپ شخصیت لیدی مکبث، هراست. آرکتایپ پرسفون باعث شد تا من بتوانم ابعاد مختلف روانی، شخصیتی و جزئیاتی که در رفتار این شخصیت است را پیدا کنم و طبق آن پیش بروم این مسئله باعث می‌شود وقتی مخاطب این کاراکتر را می‌بیند با اینکه کاراکتر فانتزی است آن را بپذیرد و باورش کند.

مسئله دیگری که در بازی شما بسیار پررنگ است روان و راحت اجرا کردن حرکات فرم و موزون به خصوص در صحنه کمپ است. مسیر رسیدن به این آمادگی چیست؟

سازی که بازیگر با آن روی صحنه می‌نوازد بدنش است. بازیگری ممکن نیست اگر که شما بدن آماده‌ای روی صحنه نداشته باشید یعنی همان قدر که مهم است که شما روی بیان و احساس تان کار کنید باید به همان اندازه هم روی بدن تان کار کنید. علاوه بر این من از زمان کودکی ورزش را به صورت جدی دنبال می‌کنم و با ورزش‌هایی مثل ژیمناستیک، بسکتبال، سوار کاری و... آشنایی دارم. به هر حال آقای ابراهیم پشت کوهی به عنوان کارگردان و نویسنده این کار، به شدت روی این موضوع آمادگی بدنی حساس و تاکید دارند و در همه آثارشان بازیگرها باید با بدن‌های آماده حضور داشته باشند و از آنجایی که در اغلب آثار حرکات فرم و موزون وجود دارد به من کمک کرد تا این بعد بازیگری خود را بیشتر ارتقا بدهم و بر خلاف آنچه که شاید بر روی صحنه راحت دیده می‌شود، رسیدن به این آمادگی برای من آنقدر راحت نبوده و به سادگی به آن نرسیده‌ام. این حرکات در این نمایش برای من چالش محسوب می‌شد با اینکه من در مکبث زار و در نقش لیدی مکبث هم حرکات فرم داشتم اما زمانی که می‌خواستیم این حرکات را طراحی کنیم با کارگردان خیلی فکر کردیم و در نهایت به یک طراحی رسیدیم که الان از آن راضی هستیم. من خیلی نگران بودم و استرس داشتم، در خلوت خودم تمرینات زیادی انجام دادم همینطور در تمرین‌های گروهی چرا که بسیار مهم بود و در آن لحظه کوچک‌ترین اشتباه بدنی از سمت من بازیگر، به چشم تماشاگر می‌آید و مخاطب می‌تواند تمام امتیازات حرکت تو را کنار بگذارد و به کوچک‌ترین خطای تو توجه کند و بسیار مهم بود که این اتفاق نیفتد.

می‌دانم که در بخش‌هایی از طراحی لباس، طراحی حرکات و بازی نویسی، نقش موثری داشتید، از این همکاری مشترک و اعتماد توأمان که با آقای پشت کوهی دارید بگویید.

من از این اعتمادی که آقای پشت کوهی به من دارند بسیار خوشحالم و همکاری با ایشان برایم تجربه بسیار دلچسبی است چرا که ایشان به شدت انسان شریف، باسواد و کار بلدی هستند و تجربه‌ای که در همکاری با ایشان به دست می‌آورم در مسیر رشد حرفه‌ای من بسیار تاثیرگذار است. مهم‌ترین موضوع دیگر این است که افکار و نگاه‌مان به هنر تئاتر همسواست و نگاه زیبایی‌شناسانه ما در یک مسیر است و این خیلی کمک می‌کند چرا که حرف‌های مشترکی داریم و بهتر می‌توانیم با هم به نتیجه برسیم. مثلاً در مورد کفش‌های سفید غزاله و زینال که پیشنهاد من بود و آقای پشت کوهی لطف کردند و پذیرفتند و این باز به آرکتایپ پرسفون برمی‌گشت که بسیار خوشبین و معصوم است و این دو مولفه برای من با رنگ سفید معنا پیدا می‌کرد و به همین علت برای این دو کاراکتر این رنگ کفش را پیشنهاد دادم برخلاف رنگ قرمز کفش دیگر کاراکترها که همان المان عشق و شور زندگی است که به نوعی زیر پا قرار گرفته و خرد شده است. فکر می‌کنم این تأثیرات رشته تحصیلی من است که هم در این موارد هم در زمینه بازی نویسی‌هایی که خود آقای پشت کوهی انجام می‌دادند و اجازه می‌دادند در کنارشان باشم.

سخن پایانی

دوست دارم به اهمیت گروه بودن اشاره کنم. چیزی که آقای ابراهیم پشت کوهی در گروه تی توو ک بسیار به آن تاکید کرده‌اند و آنقدر شیرین، لذت بخش و کار آمد است که دلم می‌خواهد بگویم چقدر زیبا است و بهتر می‌شود اگر تئاتر دوباره مثل سابق به سمت گروه بودن برود و گروه‌هایی شکل بگیرد که به یکدیگر متعهد و وفادار هستند و تبدیل به یک خانواده می‌شوند چرا که به یک زبان مشترک می‌رسند و حالشان در پشت صحنه با هم خوب است و در واقع یک ضمانتی است برای کسانی که در تئاتر فعالیت می‌کنند که ما گروهی داریم و با خیال راحت زندگی هنری مان با آنها تأمین است و ممنونم از ابراهیم پشت کوهی که آنقدر این موضوع برایشان مهم است و به مانیز این را یاد داده‌اند.

که هر دو بازیگران بسیار توانمندی هستند. صحنه خاله در رودهن صحنه بسیار جادوییست و ما اتودهای زیادی برایش زدیم تا به نتیجه دلخواه برسیم و آقای آقاپور از آنجایی که کار کمدی را خیلی خوب می‌شناسند و در این زمینه بسیار به من کمک کردند.

گاتا عابدی:

سازی که بازیگر با آن روی صحنه می‌نوازد بدنش است

با اینکه کاراکتری که ایفا می‌کنید فانتزی است، جزئیات زیادی از زندگی او دیده می‌شود. از روندی که برای باورپذیر کردن این نقش طی شد بگویید.

نقش غزاله شلکس زاده پس از بازی کردن نقش لیدی مکبث در نمایش مکبث زار چالش بسیار جذابی برای من بود چرا که از لیدی مکبث که تقریباً یکی از قدرتمندترین زنان دنیای ادبیات است باید به سمت دختری به نام غزاله می‌آمدم که بسیار شکننده، لوس و شاید دست و پا چلفتی است و اشتباهات کلامی زیادی دارد و این برایم چالشی در بازیگری و بسیار شیرین بود. مهم‌ترین امر در باورپذیر کردن یک نقش برای من این است که از تکنیک‌های روانشناسی برای نزدیک شدن به آن استفاده کنم. یعنی وقتی که می‌خواهم یک شخصیت را به کمک کارگردان خلق کنم اول سعی می‌کنم که روان آن شخصیت را بشناسم و به این برسم که او چگونه فکر و زندگی می‌کند، گذشته‌اش چیست، کهن الگو یا آرکتایپش چیست و چه ویژگی‌های بارزی دارد تا در واقع نقش یک نمود بیرونی پیدا کند که به قول موزیسین‌ها کارهایی که می‌کند یا حرف‌هایی که می‌زند

سامان کرمی:

ابراهیم پشت کوهی مسیر تازه‌ای برای من ایجاد کرد

از ویژگی‌های بدنی، عروسک وار و فانتزی این کاراکتر برایمان بگویید.

کارآموز تقریباً فانتزی‌ترین کاراکتر نمایش است که خیلی ناخواسته در بنگاه قتل مشغول درس خواندن است. او بر اساس سلیقه‌ای که پدرش داشته مجبور شده این رشته را انتخاب کند و چون کاراکتر لطیفی دارد، این مسئله با روحیاتش سازگار نیست. با توجه به نقش‌هایی که من در گذشته و در کارهای فانتزی و کمدی داشتم آقای پشت کوهی مرا برای این نقش انتخاب کردند. در ابتدا خودم نیز مقداری ترس داشتم که مبادا این فیزیک و لحنی که انتخاب کرده‌ام از کار بیرون بزند ولی خدا را شکر فکر می‌کنم که جواب داد و کاراکتر با مزه‌های هم از آب درآمد.

تجربه همکاری با آقای پشت کوهی در این اثر برای شما چگونه بود؟

این اولین بار بود که با ایشان در نمایشی همکاری می‌کردم و از آنجایی که این نمایش در قالب کمدی است و این تقریباً اولین تجربه کمدی برای خود آقای پشت کوهی هم هست به تجربه‌ای جذاب و دوست‌داشتنی برایم تبدیل شد و آقای پشت کوهی مسیر تازه‌ای را در فضای کمدی برای من ایجاد کرد که می‌توان در این سبک هم کار کمدی انجام داد.

بده بستان با کاراکترهای مقابل تان در این کار چگونه بود؟

پارتی‌های اصلی من در این کار آقای آقاپور و خانم صدایی هستند